

## امر به معروف و نهی از منکر در قانون اساسی<sup>۱</sup>

دکتر محسن اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

حق نظارت مردم بر کارکرد حاکمیت و نهادهای وابسته به آن، که در متون دینی امر به معروف و نهی از منکر نامیده می‌شود از اصول اولیه مردم‌سالاری به شمار می‌رود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند رسمی مردم‌سالاری دینی ضمن به رسمیت شناختن این حق، تلاش کرده است تا ساز و کارهای متفاوتی برای تضمین اجرای آن پیش‌بینی کند. این مقاله با اشاره به ساز و کارهای مورد نظر به تحلیل مفاد اصل هشتم می‌پردازد که بنیادیترین اصل قانون اساسی در این باره است. طبق این اصل، مردم صاحبان اصلی حکومت و حاکمان نماینده و امین آنان در اداره امور عمومی جامعه هستند و به همین دلیل حق، و بلکه وظیفه همگان است که مراقب روند امور باشند و با هدف اصلاح (و نه مچگیری) از موضع برتر، انتقاد و امر و نهی کنند. اما این همه نیازمند تصویب قانون یا قوانین عادی در مجلس شورای اسلامی است که متأسفانه هنوز هم انجام نشده است.

### واژگان کلیدی

نظارت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر، اصل هشتم قانون اساسی، مردم‌سالاری دینی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۸

۲. استادیار دانشگاه امام صادق (ع)، پست الکترونیکی: Email: Info@mohsenesmaeili.com

شهروندان حق دارند بر کارکرد نهادهای حاکمیتی نظارت کنند؛ این گزاره‌ای مشهور، مقبول و از اصول نظامهای مردم سالار است؛ اما چرا و چگونه؟

نظریه مردم سالاری غربی معتقد است حاکمان براساس قراردادهای اجتماعی عهده‌دار مناصب عمومی شده‌اند و بر مبنای همین قرارداد باید در دوره‌های معین زمانی و از طریق انتخابات آزاد پاسخگوی مردم باشند؛ اما در نظریه مردم سالاری اسلامی، که حاکمیت از آن خداست، آیا باز هم شهروندان از چنین حقی برخوردارند؟ اگر آری، چگونه؟

این مقاله پس از اشاره به ساز و کارهای متفاوتی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای شناسایی و تأمین حق نظارت مردم بر نهادهای حکومتی پیش‌بینی کرده است بر تحلیل اصل هشتم متمرکز می‌شود. اشاره به پیشینه تاریخی و چگونگی تصویب این اصل، مبنای نظری، ماهیت و هدف آن به این نکته خواهد پرداخت که نظارت و نقد نه تنها حق که وظیفه دینی و ملی شهروندان است؛ به گونه‌ای که اسقاط آن ممکن نیست. این نظارت و نقد نه از موضع ضعف و خواهش، که از موضع برتر و طلبکارانه اعمال می‌شود. قانون اساسی تعیین شرایط، حدود و کیفیت اجرای این اصل پر برکت را بر عهده مجلس شورای اسلامی گذاشته است؛ وظیفه بسیار مهمی که تاکنون به آن عمل نشده است. چاره‌یابی در این زمینه پایان بخش مقاله است.

## ۱. ساز و کارهای نظارت مردمی در قانون اساسی

مروری بر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تردیدی باقی نمی‌گذارد که نویسندگان این متن حقوقی بخوبی از عهدهٔ تدوین آموزه‌های دینی در قالب متون قانونی برآمده‌اند. آنان، که غالباً از اجتهاد و آشنایی عمیق با آموزه‌های اسلامی و نیز تجربه مبارزه با استبداد و ستم برخوردار بوده‌اند، تلاش کرده‌اند تا با در نظر گرفتن مبنای درست نظری برای حاکمیت، همه مقدمات و لوازم حضور مستمّر مردم را در صحنه و نظارت همگانی آنان بر ارکان حکومت فراهم آورند.

قانون اساسی ضمن احترام به عقیده و آزادی شهروندان و تساوی آنها در برابر قانون، انتخابات را به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین ساز و کارهای نظارت همگانی و اعمال

خواست مردم به رسمیت شناخته است.

طبق قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود؛ از راه انتخاب رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» (اصل ۶ قانون اساسی).

«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» (اصل ۹ قانون اساسی)؛ به گونه‌ای که غیر مسلمانان و پیروان سایر مذاهب و ادیان شناخته شده نیز در سرنوشت کشور دارای حق رأی مساوی بوده و در مجلس شورای اسلامی هم دارای نمایندگانی از خود هستند (اصل ۶۴ قانون اساسی). آنان «در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند» (اصل ۱۳ قانون اساسی).

هم‌چنین دولت موظف است همه امکانات خود را به کار برد تا با «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه» (اصل ۳، بند ۹ قانون اساسی) و «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» (اصل ۳، بند ۸ قانون اساسی) زمینه را برای «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» (اصل ۳، بند ۸ قانون اساسی) و نیز «محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی» (اصل ۳، بند ۶ قانون اساسی) فراهم آورد. مسئولان کشور موظفند تلاش کنند تا با «تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد» (اصل ۴۳، بند ۳ قانون اساسی).

«تفتیش عقاید ممنوع است» (اصل ۲۳ قانون اساسی) و «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند» (اصل ۲۴ قانون اساسی). تشکیل «احزاب، جمعیت‌ها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده» (اصل ۲۶ قانون اساسی) و نیز «اجتماعات و راهپیمایی‌ها» (اصل ۲۷ قانون اساسی) از جمله حقوق و آزادیهای ملت است. مردم می‌توانند از این شیوه‌ها برای بیان نظر و خواست خود استفاده کنند و

به نظارت همگانی خود اثر عملی ببخشند؛ حتی از نظر قانونگذاری نیز در محدوده مقرر در قانون اساسی «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود» (اصل ۵۸ قانون اساسی) و بالاتر اینکه «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد» (اصل ۵۹ قانون اساسی).

مردم، حتی در سطح روستاها با تشکیل شوراهای محلی بر همه «برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی» (اصل ۱۰۰ قانون اساسی) نظارت دارند و «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند» (اصل ۱۰۳ قانون اساسی).

همه مقامهای حکومتی با رأی مردم در جایگاه خویش قرار می‌گیرند؛ البته گاه با «رأی مستقیم» نظیر رئیس‌جمهور (اصل ۱۱۴ قانون اساسی) و نمایندگان مجلس (اصل ۶۲ قانون اساسی) و گاه نیز با «رأی غیرمستقیم» به‌طوری که حتی «تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است» (اصل ۱۰۷ قانون اساسی) و خبرگان به نمایندگی از سوی مردم بر کارکرد او نظارت کرده در صورت لزوم «از مقام خود برکنار خواهد شد» (اصل ۱۱۱ قانون اساسی)؛ با این همه گویاترین اصل در این زمینه را باید اصل هشتم قانون اساسی دانست که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲. پیشینه تصویب

متن اصل هشتم قانون اساسی چنین است: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

این اصل که در فصل اول قانون اساسی یعنی فصل مربوط به اصول کلی قرار گرفته است از جمله اصول ابتکاری خبرگانی است که تدوین نهایی قانون اساسی را بر عهده

داشته‌اند و اثری از آن در پیش نویس‌های قبلی مشاهده نمی‌شود (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس، ۱۳۶۴: ۴ و ۶۴). اهمیت این اصل در نظر نویسندگان قانون اساسی، علاوه بر نداشتن سابقه و پیش نویس از متن مذاکرات، نبودن مخالف جدی و تصویب فوری آن با پنجاه رأی موافق در مقابل سه رأی مخالف و دو رأی ممتنع در شانزدهمین جلسه (۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۸) آشکار می‌شود (همان: ۶۴، ۴۱۱).

### ۳. مبنا و هدف امر به معروف و نهی از منکر

مبنای پذیرش نظارت مردمی بر نهادهای حکومتی، همان‌گونه که از ذیل اصل هشتم پیداست، آیه ۷۱ از سوره توبه است. درباره مفاد این آیه و علت انتخاب آن بحث، و اثبات خواهد شد که طبق آن، مقصود از نظارت همگانی پیدا کردن نقاط ضعف و مچگیری حاکمان نیست؛ بلکه ناشی از محبت و احساس نزدیکی و دلبستگی به دولت است. این یکی از مهمترین وجوه افتراق نظارت همگانی در اسلام و غرب است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این نکته زیبا از آیه‌ای که در انتهای این اصل به عنوان مستند قرآنی ذکر شده، (آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه) هم قابل استفاده است. در آیات پیش از آن ضمن بیان پنج نشانه مشترک زنان و مردان منافق، اولین علامت آنان چنین ذکر شده است: «مردان و زنان منافق همه از یک گروهند؛ آنها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند و...» (المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض یا مرون بالمنکر و ینهون عن المعروف - آیه ۶۷). اکنون و به عنوان نشانه‌های مشترک مردان و زنان با ایمان، درست به نقطه مخالف آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان، دوست و ولی و یار و یاور یکدیگرند. آنها مردم را به نیکیها دعوت می‌کنند و از زشتیها باز می‌دارند.»

نکته جالب اینکه درباره منافقان کلمه «اولیا» ذکر نشده بود، بلکه جمله «بعضهم من بعض» که دلیل بر وحدت هدف و هماهنگی صفات و کردار است به چشم می‌خورد و حال اینکه در این آیه مؤمنان را «اولیای» یکدیگر می‌داند. به گفته مفسران این تفاوت اشاره به این است که منافقان هر چند درصاف واحدی قرار دارند، روح موذت و ولایت در میان آنها وجود ندارد و هرگاه منافع شخصی آنان به خطر بیفتد حتی به نزدیکترین دوستان

خود خیانت خواهند کرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۳۶) اما میان مؤمنان رابطه «ولایت» و محبت برقرار است و منشأ امر به معروف و نهی از منکر هم همین است.

به هر حال علت تفاوت مورد بحث این است که شهروندان در جامعه اسلامی (مؤمنان) نوعی قرابت و نزدیکی (ولایت) نسبت به یکدیگر دارند؛ «مؤمنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب اینکه با یکدیگر نزدیکند، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند و به سرنوشت هم علاقه‌مندند و در حقیقت به سرنوشت خود، که یک واحد را تشکیل می‌دهند، علاقه می‌ورزند و لذا امر به معروف می‌کنند و یکدیگر را از منکر و زشتیها باز می‌دارند» (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۶۴).

استاد شهید مطهری با استنباط این نکته لطیف از آیه ۷۱ سوره توبه نتیجه می‌گیرد که نظارت همگانی و به تعبیر دینی این دو عمل «امر به معروف و نهی از منکر» ناشی از و داد ایمانی است و لذا این دو جمله - يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ - بلافاصله به دنبال بیان ولای ایمانی مسلمانان واقع شده است.

علاقه به سرنوشت اشخاص از علاقه به خود آنها سرچشمه می‌گیرد. پدری که به فرزندان خویش علاقه دارد، قهراً نسبت به سرنوشت و رفتار آنان نیز احساس علاقه می‌کند؛ اما ممکن است نسبت به فرزندان دیگران در خود احساسی نکند، چون نسبت به خود آنها علاقه‌ای ندارد تا به سرنوشتشان نیز علاقه‌مند باشد» (همان: ۲۶۴).

به همین ترتیب علاقه به جمع مسلمانان و جامعه آنان، موجب اهتمام به امور اجتماعی و آینده مردم می‌شود؛ این چنین است که مسلمانان واقعی (مؤمنان) در مسائل اجتماعی حساس هستند و بر روند امور نظارت می‌کنند. در غیر این صورت از «وظیفه» خود تخلف می‌کنند و در حقیقت مسلمان نیستند.

شهید مطهری در جای دیگری می‌گوید: «در این آیه کریمه، قسمت‌هایی به طور علت و معلول و سبب مسبب مترتب بر یکدیگر ذکر شده است: لازمه ایمان حقیقی و واقعی - نه ایمان تقلیدی و تلقینی - رابطه و داد و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه امر به معروف و نهی از منکر است» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۹۶) و این همان فلسفه نظارت مردمی است.

#### ۴. ماهیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر

نظارت همگانی تنها «حق» مردم نیست، بلکه «وظیفه» آنان است. این نظارت تکلیفی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد یا در اجرای آن تساهل و تسامح نشان داد. ممکن است از سوی طرفداران نظام‌های مردم‌سالار غیردینی ایراد شود که آنچه در مورد مبنای فکری نظارت همگانی در نظام مردم‌سالاری دینی گفته شد، همان است که آنان هم گفته‌اند و فلسفه سیاسی اسلام در این زمینه سخن جدید و برتری خاصی ندارد. آنها نیز مردم را صاحبان اصلی قدرت و حاکمان را نماینده ملت دانسته‌اند که برای مثال بنا بر «قرارداد اجتماعی» به حکومت رسیده‌اند (عالم، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۲۰۹). بالاتر اینکه ممکن است گفته شود در نظریه‌های مردم‌سالاری غیردینی، حاکمان حتی مشروعیت خویش را نیز از آرای عمومی می‌دانند در حالی که بنابر عقیده مشهور میان طرفداران مردم‌سالاری دینی، مردم تنها در فعلیت و مقبولیت حکومت مؤثر هستند و نه در مشروعیت آن (اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۱۰۹-۷۳).

برای یافتن پاسخ به این پرسش باید به تفاوت ماهوی این دو دیدگاه توجه کرد. در نظام‌های مردم‌سالاری غیردینی آنچه نهایتاً اثبات می‌شود «حق» شهروندان برای نظارت بر حاکمیت و نهادهای منبعث از آن است. این واقعیت از تأملی دوباره در متونی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر آشکار می‌شود. اما مردم‌سالاری دینی - آن را نه تنها «حق»، که «حکم» شرعی و «تکلیف» مردم می‌داند و تفاوت بنیادین این دو آشکار است. حق، امتیاز و توانایی خاصی است که قانون برای حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد تا در صورتی که «بخواهند» از آن استفاده کنند؛ برای مثال طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید.» معنای این حق، همان‌گونه که در ادامه اصل یاد شده تصریح شده، این است که «همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.» با وجود این بدیهی است که اعمال حق مزبور بر شهروندان واجب نیست و آنان می‌توانند به هر دلیلی از اجرای حق خویش چشم‌پوشی کنند.<sup>۱</sup>

۱. لِكَلِّ ذِي حَقٍّ اسْقَاطَ حَقَّهُ؛ این قاعده‌ای است که در حقوق پذیرفته شده است

اما آنچه در اصطلاح فقهی «حکم» یا «تکلیف» نامیده می‌شود، «باید»‌ها یا «نباید»‌هایی است که اشخاص ناگزیر از اجرای آن هستند. این اجبار ناشی از «مصلحت ملزمه»‌ای است که خصوصاً بنابر فقه شیعه در متعلق احکام نهفته است (انصاری: ۴۲، مظفر: ۴۰)؛ به عبارت دیگر، هرگاه منافع فردی یا جمعی در موردی چنان باشد که به هیچ رو قابل چشم‌پوشی نباشد، شهروندان جامعه اسلامی نمی‌توانند و نباید در تحقق آن کوتاهی کنند. در آیه‌های متعددی از قرآن کریم بر این موضوع آشکارا تأکید شده است که نظارت مردم بر روند امور در جامعه اسلامی، نه تنها حق، که وظیفه تخلف‌ناپذیر آنان است؛<sup>۱</sup> برای نمونه می‌توان به این آیه شریفه استناد کرد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، آیه ۱۰۴).

طبق این کلام آسمانی «باید» از میان جامعه اسلامی گروهی دعوت به نیکی، امر به معروف و نهی از منکر کنند و جالب اینکه «در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است» (مکارم شیرازی و دیگران، جلد ۳: ۳۳). ظهور امر در این آیه شریفه و آیه‌های دیگر، تردیدی در وجوب فقهی نظارت همگانی باقی نمی‌گذارد (جواهرالکلام، جلد ۲۱: ۳۵۸) بویژه اینکه روایات معتبر و پرشماری نیز بر این وجوب تصریح کرده‌اند!<sup>۲</sup> حتی بسیاری از فقیهان و دیگر دانشمندان اسلامی، استنباط این وجوب به عنوان احکام مستقلة عقلیه را نیز از نظر دور نداشته‌اند (جواهر الکلام ج ۲۱: ۳۵۸ - ۳۵۹ و کنزالعرفان فی فقه القرآن، ج ۱: ۵۷۷-۵۷۸).

ارتقای جایگاه نظارت همگانی از «حق» به «حکم» یا وظیفه و تکلیف، موجب امتیازهایی می‌شود که به طور خلاصه این است که:

**اولاً:** شهروندان به هیچ دلیلی نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند و به بهانه اسقاط حق از آن درگذرند. طمع یا ترس، دوبهانه مهمی است که می‌تواند مانع تحقق و کارآمدی نظارت همگانی شود؛

۱. فقیه و قرآن پژوه بزرگ، مرحوم جمال‌الدین مقداد بن عبدالله سیوری با استدلال به آیه‌هایی نظیر «آل عمران، ۱۱۰»، «آل عمران، ۱۰۴» و «حج، ۴۱» می‌فرماید: «در وجوب شرعی امر به معروف و نهی از منکر اختلافی نیست و تنها در وجوب عقلی آن گفتگوهایی وجود دارد» (کنزالعرفان فی فقه القرآن، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۵۷۷).

۲. مرحوم شیخ حرّ عاملی ۲۵ روایت در این زمینه را تنها در باب اول از ابواب الامر والنهی و ماینا سبهما تحت عنوان «باب وجوبهما و لغیبت تحریم ترکهما» نقل، و اشاره می‌کند که «و تقدم ما يدل على ذلك في مقدمه العبادات و غيرها و يأتي ما يدل على ذلك!» (وسایل الشیعه، ج ۱: ۳۹۹).



بویژه اینکه این نظارت بر مراجع قدرت اجتماعی باشد. نظریه مردم سالاری دینی با این شیوه مانع از تأثیر و پذیرش این بهانه‌ها شده است. شگفت‌انگیز است که در روایات بسیاری با نکوهش تارکان این وظیفه مهم تأکید شده است که «امر به معروف و نهی از منکر نه روزی کسی را کمتر می‌کند و نه مرگ کسی را نزدیکتر» (اسماعیلی، ۱۳۸۳).

**ثانیاً:** وقتی نظارت همگانی صیغه تکلیف به خود می‌گیرد، مردم حاضر خواهند شد برای اجرای آن هر هزینه‌ای را بپردازند و از عافیت طلبی در مسیر اصلاحات اجتماعی پرهیز کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۳).

گرچه یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که مفسده‌ای نداشته باشد و موجب زیان نگردد، اما به عقیده فقها: «اگر معروف و منکر از اموری باشند که شارع مقدس اهتمام به آن دارد، باید اهمیت سنجی کرد و هر ضرری، حتی اگر جانی باشد، نمی‌تواند رافع تکلیف شود. بنابراین (مثلاً) هر گاه اقامه دلیل برای از بین بردن گمراهی و انحراف (اجتماعی) نیازمند بذل جان یا جانها باشد، فداکاری واجب است؛ چه رسد به زیانهای کمتر از آن» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۳: ۴۳۳)؛ همان‌گونه که حضرت امام حسین علیه السلام هدف خود را از قیام کربلا اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح انحرافات نظام سیاسی جامعه اعلام کرد! امام (ع) هنگام خروج از مدینه ضمن نامه‌ای به برادرش محمدبن حنفیه نوشت: «من از روی خودخواهی و یا خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری از این شهر خارج نمی‌شوم، بلکه هدف من از این سفر اصلاح در میان امت جدم است و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و همانند پیامبر و پدرم عمل کنم»<sup>۱</sup>

## ۵. امر و نهی؛ نه درخواست و خواهش

نظارت مردم بر حکومت و نهادهای وابسته به آن از موضع ضعف و خواهش نیست. خواست و نظر مردم برخواست و نظر مسئولان مقدم است و به همین دلیل، افزون بر «دعوت»،

۱. وَ إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَيْسِدًا وَلَا ظَلَمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص)، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) ... (علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، چاپ بیروت، ج ۴۴: ۳۲۹).

مردم باید از موضع برتر به دولت منتخب خویش «امر» و «نهی» کنند. چرا؟

پاسخ به این پرسش، که ماهیت و حدود نظارت را نیز مشخص می‌کند، منوط به این است که معلوم شود «حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می‌کند؛ با این چشم که آنها برده و مملوک و خود مالک و صاحب اختیار است و یا با این چشم که آنها صاحب حقند و او خود تنها وکیل و امین و نماینده است؟

در صورت اول هر خدمتی انجام دهد از نوع تیماری است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش انجام می‌دهد و در صوت دوم از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد» (شهید مطهری، ۱۳۷۹: ۴۴۱).

به تعبیر مرحوم نایینی در کتاب مشهور «تنبیه الامه و تنزیه المله»: «حکومت بر دو نوع است: تملیکیه و ولایتیه.

الف) حکومت تملیکیه، که همان حکومت استبدادی است که در آن، حاکم افراد و ثروتهای کشور را در حکم برده و دارایی شخصی خود می‌داند. این نوع حکومت را استبدادیه و تسلطیه، اعتسافیه و تحکیمیه هم خوانده‌اند.

ب) حکومت ولایتیه که براساس قهر و سلطه و اراده شخصی استوار نیست، بلکه بر اقامه وظایف و مصالح عمومی مربوط به نظم و حفظ کشور مبتنی است و اعمال حاکمیت نیز محدود و مقید به همان وظایف و مصالح است» (حداد عادل، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

بنابر تصور نخست، حکومت و حاکمان، اربابان و طلبکاران همیشگی مردمند که وظیفه‌ای مبنی بر خدمت‌رسانی به مردم و رعایت خواست آنان ندارند و اگر هم خدمتی ارائه می‌دهند، ناشی از لطف و منتهی می‌دانند که بر مردم روا داشته‌اند. اما براساس تصور دوم اصولاً حاکمان، حاکم هستند تا منافع مردم را تأمین کنند و تا موقعی حق حکومت دارند که بر پیمان خود استوار بمانند. از این رو به مجرد پیمان شکنی برکنار می‌شوند و حتی اگر تمام وظایف خویش را نیز بدرستی انجام دهند با رأی و نظر موکلان باید برکنار شوند؛ اما از دیدگاه مردم سالاری دینی قدرت سیاسی تنها یک امانت است و نه سفره برخورداریه‌ها؛ چنانکه علی علیه السلام در نامه معروفش به کارگزار آذربایجان هشدار داد که: «مبادا پنداری حکومتی که به تو سپرده شده است، طعمه و شکاری است که به چنگ آورده‌ای؛ خیر، امانتی است که برگردنت نهاده شده است و تو تحت نظارت مقام بالاترت

هستی و نمی‌توانی به استبداد و دلخواه در میان مردم رفتار کنی».<sup>۱</sup>

با همین برداشت است که آن حضرت در نامه دیگری به مأموران حکومتی نهیب می‌زند: «از طرف خود با مردم به انصاف رفتار کنید و در برآوردن نیازهای آنان پرحوصله باشید؛ چرا که شما امانتدار مردم، وکیل امت و نماینده حکومت هستید».<sup>۲</sup>

مرحوم استاد شهید، مرتضی مطهری با اشاره به این‌گونه آموزه‌های پرشمار در نهج البلاغه، نتیجه می‌گیرد که: «در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنها است؛ از این دو (حکمران و مردم) اگر بنا است یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است نه توده محکوم برای حکمران» (شهید مطهری، ۱۳۷۹: ۴۴۹).

ایشان با اشاره به واژه رعیت، که در ادبیات دینی به مردم اطلاق شده است، می‌افزاید: «واژه رعیت علی‌رغم مفهوم منفوری که تدریجاً در زبان فارسی به خود گرفته است، مفهومی زیبا و انسانی داشته است. استعمال کلمه راعی را در مورد حکمران و کلمه رعیت را در مورد توده محکوم، اولین مرتبه در کلمات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه و آله سلم و سپس به وفور در کلمات علی‌علیه‌السلام می‌بینیم.

این لغت از ماده رعی است که به معنی حفظ و نگهداری است. به مردم از آن جهت کلمه رعیت اطلاق شده است که حکمران، عهده‌دار حفظ و نگهداری جان و مال و حقوق و آزادیهای آنها است» (همان: ۴۵۰).

ناگفته پیدا است که چنین نگاهی به حکومت در آیات متعددی از قرآن کریم ریشه دارد که آیه ۵۸ از سوره نسا از گویاترین نمونه‌های آن است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ».

همان‌گونه که مفسر بزرگ قرآن، مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان فرموده است در معنی این آیه چند قول است که بنابر یکی از اقوال، مخاطب آن حکمرانان هستند و خداوند با تعبیر به لزوم ادای امانت، آنان را فرمان می‌دهد که به رعایت حقوق مردم قیام

۱. نامه ۵ نهج البلاغه: «وَإِنَّ عَمَلَك لَبِسَ لَكَ بِطُعْمِهِ وَ لِكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرَعِيٌّ لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ»

۲. نامه ۵۱ نهج البلاغه: «فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَاصْبِرُوا لِجَوَائِحِهِمْ، فَإِنَّكُمْ خَزَانُ الرَّعِيَّةِ وَ وَكَلَاءُ الْأُمَّةِ وَ سُفْرَاءُ الْأَئِمَّةِ»

کنند (همان: ۴۵۰). در ذیل روایتی از امام باقر علیه السلام خطاب به زراره نیز همین احتمال تأیید می‌شود؛ آنجا که حضرت می‌فرماید: «... هُمْ الْحُكَّامُ يَأْزُرَارَهُ، إِنَّهُ خَاطَبَ بِهَا الْحُكَّامَ». البته همان‌گونه که علامه طباطبایی تصریح کرده است: «ذیل روایت نشان می‌دهد که (تطبیق آن بر زمامداران) از باب جری است و گرنه آیه شریفه درباره هر امانت و حکمی صدق می‌کند.» (طباطبایی، جلد ۵: ۳۸۵). خلاصه اینکه زمامداران در بینش دینی ما امانتدار مردم هستند؛ باید زیر نظر صاحب اصلی حق و در حدود اختیاراتی که برای آنها مشخص شده، وظیفه خود را انجام دهند و پاسخگو باشند.

### ۶. همگانی بودن امر به معروف و نهی از منکر

طبق اصل سوم قانون اساسی «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ... همه امکانات خود را برای... مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به کار برد. اصل ششم نیز تأکید می‌کند که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود.» برای همین است که در اصل هشتم نیز تصریح شده است که نظارت مردمی یک «وظیفه همگانی» است. مستند قرآنی اصل هم همین نظر را تأیید می‌کند.

در برابر ذکر این آیه شریفه، پیشنهاد دیگر این بوده است که به جای آن به آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران استناد شود که می‌فرماید: «ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر.»

دلیل این پیشنهاد آن بوده است که ما «می‌خواهیم اصل را راجع به تمام طبقات بگوییم» (مشکینی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۰۹) و لذا «اولی است که این آیه را بنویسیم» خصوصاً آنکه قبلاً هم همین آیه پیشنهاد شده بوده است (حسینی بهشتی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۱۱).

در نقطه مقابل، گروهی بر این عقیده بوده اند که «این آیه در نظر مردم بعضیه است» (سبحان، صورت مشروح مذاکرات: ۴۱۱)؛ یعنی ممکن است تصور شود مقصود از آیه این است که از میان شما مؤمنان باید تنها «گروهی از شما» (منکم) عهده دار این وظیفه شوند و حال اینکه این یک تکلیف همگانی است. این گفته البته با مخالفت هم روبه‌رو بود؛

زیرا به عقیده برخی دیگر برای تضمین اجرای نظارت همگانی نیازمند سازمان مشخصی هستیم و تکلیف همگانی با پیش‌بینی ساختاری ویژه برای آن منافاتی ندارد. «امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی هست ولی فردا که به یک کسی می‌گویند آقا این کار را نکن! می‌گوید چشم، ولی می‌کند! بنابراین ما باید یک وزارتخانه‌ای داشته باشیم به نام وزارت امر به معروف و نهی از منکر که بر ادارات ما نظارت کند» (طاهری خرم‌آبادی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۱۰).

از آنجا که ادامه چنین مباحثاتی ممکن بود به درازا بکشد، نایب رئیس وقت مجلس خبرگان قانون اساسی ترجیح داد که تعیین تکلیف این بحث نیز به قانون مصوب بعدی احاله شود؛ زیرا «وقتی می‌گوییم قانون در آینده معین می‌کند، یعنی تمام جوانب را در نظر خواهند گرفت که آیا وظیفه همگانی است و یا سازمانش معین است» (حسینی بهشتی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۱۰).

گر چه بر همین مبنا اکثریت خبرگان نیز ترجیح دادند که آیه مورد استناد تغییر نکند و وارد جزئیات بحث نشوند، اما «همگانی» بودن این وظیفه در متن اصل هشتم مورد تصریح قرار گرفت و اصل مذکور به صورت کنونی تصویب شد.

نمونه‌های بسیار جالبی از گفتگوهای دینی و علمی در این زمینه را می‌توان در تفسیر آیه ۱۰۴ سوره آل عمران مشاهده کرد. طبق این آیه شریفه «باید از میان شما (مسلمانان) جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند.»<sup>۱</sup> بی‌تردید امر به معروف و نهی از منکر برجسته‌ترین نماد حضور در جامعه و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت عمومی است که از نظر اسلام واجب تلقی می‌شود. اما آیا این حضور و احساس مسئولیت، تنها وظیفه عده‌ای خاص است یا وظیفه‌ای است همگانی.

ممکن است گفته شود ظاهر «منکم امة» این است که این امت بعضی از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهد نه همه آنها را و به این ترتیب وظیفه امر به معروف و نهی از منکر جنبه عمومی نخواهد داشت، بلکه وظیفه طایفه خاصی است؛ اگرچه انتخاب و تربیت این جمعیت وظیفه همه مردم است» (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه: ۳۵).

مفسران در پاسخ به این شبهه گفته‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد:

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

یکی مرحله فردی که هر کس موظف است به تنهایی ناظر بر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله دسته‌جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند. قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است. اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می‌گیرد و چون جنبه دسته‌جمعی دارد، شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی به شمار می‌رود.

این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق از شاهکارهای قوانین اسلامی است و مسئله تقسیم کار را در سازمان حکومت اسلامی و لزوم تشکیل یک گروه نظارت بر اوضاع اجتماعی و سازمانهای حکومت را مشخص می‌سازد. بنابراین وجود این جمعیت با آن قدرت وسیع، هیچ‌گونه منافاتی با عمومی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در شعاع فرد و با قدرت محدود ندارد» (همان: ۳۷۳).

در نگاه پیامبر خدا نه تنها یکایک افراد حق حضور دائم در صحنه را دارند که حتی مکلف به این حضور هستند. از حضرت ایشان نقل شده است که: «دست خدا با جماعت است» و «هرکس یک وجب از جماعت دور شود، خداوند طوق مسلمانی را از گردن وی برمی‌دارد» و در نتیجه «هرکس از جماعت جدا شود، به مرگ جاهلیت مرده است» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

از سوی دیگر در تعدادی از روایات که از آنها استنباط «وَجوب» شده بر اهتمام به امور مسلمانان به عنوان یکی از وظایف دینی تأکید شده است (شیخ حر عاملی، ج ۱۱: ۵۵۹). طبق این روایات، که همگی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «هرکس صبح کند در حالی که نسبت به امور مسلمانان بی‌تفاوت باشد، مسلمان نیست»<sup>۱</sup>

## ۷. ضرورت قانونمند شدن امر به معروف و نهی از منکر

چنانکه گفته شد اصل هشتم از جمله اصولی است که در فصل اول و تحت عنوان «اصول کلی» مطرح شده و «اصل کلی در قانون اساسی عبارت است از اصلی که به عنوان مبنا برای یک یا چند اصل دیگر در فصول آینده قانون اساسی شناخته می‌شود» (حسینی

۱. مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

بهشتی، صورت مشروح مذاکرات: ۱۹۶).

به رغم اینکه تدوین کنندگان در نظر داشته‌اند اصول دیگری نیز در این باره به تصویب برسانند (همان: ۴۱۰)، متأسفانه به هر دلیل در فصول بعدی قانون اساسی اصل یا اصول دیگری که تبیین کننده مراد و چگونگی اجرای این اصل باشد، حداقل در خصوص نظارت همگانی مردم بر دولت و مردم بر یکدیگر، وجود ندارد و همه این مباحث به قانون عادی موکول شده است که باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اندک تعدادی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مخالف این قسمت از اصل بوده‌اند؛ چون به نظر آنان «این مثل شوراها نیست که بگوییم شرایط را قانون معین می‌کند. این امر شرایطش معلوم است» (صافی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۰۹). و «یک مطلبی که الان در شرع هست، دیگر معین کردن آن صحیح نیست» (همان: ۴۰۹). طبق این نظر، اگر هم قرار است چیزی به آخر اصل اضافه شود، حداکثر این است که «باید نوشته شود، شرایط و حدود و کیفیت آن در کتب فقهیه ذکر شده است» (انواری، صورت مشروح مذاکرات: ۴۱۰).

بعضی دیگر در آن مجلس معتقد بوده‌اند باید میان شرایط با حدود و کیفیت اجرا تفاوت قائل شد؛ زیرا اولی در فقه معین است و بقیه نه: «ما می‌گوییم فقه ما خلأ ندارد و قانون اساسی ما هم طبق فقه اسلامی است. پس شرایط ... باید حذف بشود و بگوییم کیفیت هم در آینده خواهد آمد» (طاهری خرم آبادی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۱۰). اما اکثریت خبرگان بدرستی افزودن ذیل را لازم دانسته‌اند. استدلال آنها چنین بوده است که: «فقط شرایط را ننوشتیم. نوشته‌ایم شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. کیفیت کاری را که دولت در برابر مردم و مردم در رابطه با کارهای دولت می‌کنند، قانون باید معین کند. بنابراین قانون در آینده معین خواهد کرد، قانون که معین کرد، آن قسمتی را که قبلاً معین شده بدون تصرف می‌آورد و آن قسمتی هم که مربوط به کیفیت‌ها است یعنی کلی بوده است و حالا باید شکل اجرایی آن را هم معین کند. بنابراین، این عبارت مزاحم نیست و منافاتی هم ندارد. آن قانونی که بعداً معین می‌کند، قسمتهایی را که احتیاج به تعیین جدید ندارد در برابر این اصل که نامعین است، معین می‌کند» (حسینی بهشتی، صورت مشروح مذاکرات: ۴۰۹).



این تأکید برای آن است که نظارت مردمی نباید در حد بیان کلیات و شعارپردازی باقی بماند. از سوی دیگر اجرای این حق نباید بهانه‌ای برای دخالت در حریم خصوصی یکدیگر یا برهم زدن نظم عمومی گردد. بنابراین باید به روشنی معلوم شود که این وظیفه در چه مواردی با چه شرایطی و چگونه باید اجرا شود. این تکلیف دشوار و مهمی است که قانون اساسی بر عهده مجلس شورای اسلامی نهاده است و متأسفانه تاکنون به آن عمل نشده است. عدم تصویب قانونی که اصل هشتم قانون اساسی خواستار آن شده است با هر بهانه و دلیلی صورت گرفته باشد، موجب محرومیت کشور از آثار و برکات بی‌انتهای نظارت و مشارکت همگانی شده است؛ آثار و برکاتی که از نظر نهج البلاغه «تمام خوبیها و حتی جهاد در راه خدا در برابر آن چون قطره‌ای است در برابر دریای مواج». (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴)

#### ۸. نتیجه گیری و پیشنهادها

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که نظارت مردم بر نهادهای حکومتی، که از اصول مردم سالاری در دنیای معاصر به شمار می‌رود از سوی نظام اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر به رسمیت شناخته شده است. اما به دلیل عدم اجرایی شدن اصل هشتم قانون اساسی هنوز شاهد آثار و نتایج آن نبوده ایم؛ به این منظور باید:

- هر چه سریعتر «قانون چگونگی اجرای اصل هشتم قانون اساسی» تدوین و تصویب شود.
- در این قانون سازمان و تشکیلات خاصی برای اجرا و پیگیری این اصل مهم پیش بینی گردد.
- پیش بینی سازمان ویژه نباید نافی تکلیف عمومی مردم در این زمینه تلقی شود.
- در این قانون باید اقتدار و حمایت‌های لازم برای اجرا کنندگان این وظیفه مهم پیش بینی گردد.
- به دلیل ارتباط زیاد میان موفقیت نیروی انتظامی و اجرای صحیح اصل امر به معروف و نهی از منکر، این نیرو می‌تواند در تهیه پیش نویس لازم، نقش فعال داشته، و در اداره و اجرای آن سهیم باشد.



## منابع فارسی

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۶۳). تحریر الوسیله، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، فوائد الاصول، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۴. اسماعیلی، محسن (۱۳۸۳). مقایسه یک نظریه از دو دیدگاه در: تبیین مردم سالاری دینی، جمعی از نویسندگان، مرکز آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵. اسماعیلی، محسن (۱۳۸۶). اصلاحات در پرتو عزت و افتخار حسینی (در: مجموعه مقالات همایش علمی عزت و افتخار حسینی، فرهنگ و تفکر بسیجی، سازمان مطالعات و تحقیقات بسیج).
۶. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۳). دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۸.
۷. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، چاپ ۲۰ جلدی.
۸. سیوری، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹ق). کنز العرفان فی فقه القرآن، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۹. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴).
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۱۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). بنیادهای علم سیاست، نشرنی، چ هفتم.
۱۲. قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات ۱۳۶۸).
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: بی‌تا.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چ سوم، ج ۱۶.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مجموعه آثار (ولاءها و ولایتها)، انتشارات صدرا، ج ۳، چ ۹.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). مجموعه آثار، ج ۲۰ (مقاله امر به معروف و نهی از منکر)، انتشارات صدرا، چ دوم.
۱۷. مظفر، محمدرضا. اصول الفقه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: بی‌تا.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، بی تا. ج ۳ و ج ۸.
۱۹. نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح).
۲۰. نهج الفصاحه (با تنظیم موضوعی)، (۱۳۸۴). دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۱۴.
۲۱. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، داراحیاء التراث العربی، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی